

پرده نقره‌ای

نوید محمدزاده تهیه‌کننده یک تئاتر شد



پس از اجرای نمایش «کریملوژی» در سالن قشقایی تئاتر شهر و حضور این نمایش در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، این نمایش از ۱۵ دی با تهیه‌کنندگی نوید محمدزاده روی صحنه می‌رود. نمایش «کریملوژی» به قلم مهران رنجبر و براساس طرحی از کهد تاراج برای نخستین بار در جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی روی صحنه رفت. این نمایش روایت مونولوگی از زندگی کریم شیرهای، تلخک دربار ناصرالدین شاه بود که لقب دوشاب‌الملک را داشت و برای ناصرالدین شاه آنقدر عزیز بود که زمانی که فوت کرد ناصرالدین شاه سه روز عزای عمومی اعلام کرد؛ اما در حال حاضر هیچ نشانی از قبر کریم شیرهای نیست و کسی نمی‌داند قبر او کجاست. حالا کریم شیرهای بعد از سال‌ها به دنبال قبر خود و پرسش‌های بی‌جوابش می‌گردد.

■ ■ ■

ماجرای «برنده‌باش» در شبکه نمایش خانگی چه شد؟

پخش مسابقه تلویزیونی «برنده‌باش» با اجرای محمدرضا گلزار در سال ۹۸ به واسطه انتشار حکم فقهی یکی از مراجع مبنی بر شباهت سازوکار اجرایی این برنامه با «قمار» متوقف شد. اما شنیده‌ها حاکی از آن است که با گذشت بیش از ۸ ماه از توقف پخش مسابقه «برنده‌باش»، سازمان صداوسیما هنوز با اسپانسر این برنامه تسویه حساب کامل نکرده است و عوامل آن بعد از تعطیلی برنامه در حال رایزنی با صداوسیما بودند تا بتوانند این برنامه را در شبکه نمایش خانگی تولید کنند. همچنین گروه سازنده این برنامه این روزها در تدارک ساخت این مسابقه با فرم قبلی و با عنوان ودکور جدید برای شبکه نمایش خانگی هستند و تنها منتظر تسویه حساب صداوسیما با اسپانسرهای این برنامه هستند. «برنده‌باش» با اجرای محمدرضا گلزار در سال ۹۷ روی آنتن شبکه سه سیما رفت و در قالب طرح ۱۵ سوال میالنی تا سقف ۱۰۰ میلیون تومان به شرکت کنندگان اهدا می‌کرد.

■ ■ ■

حمید لولایی و مرجان گلچین در «موچین»



تصویربرداری سریال نمایش خانگی «موچین» به کارگردانی حسین تبریزی و تهیه‌کنندگی میثم آهنگری همچنان در مناطق مختلف پایتخت در حال انجام است و به تازگی نیز مراحل فنی این مجموعه همزمان با تولید آغاز است. مرجان گلچین، حمید لولایی، شهره لرستانی، زهره جهرمی، عباس جمشیدی، مهران رجبی، امین چنارانی، افشین غیائی مجید شهریاری، سعیده عرب و آشا محرابی و رابعه اسکویی، علی صادقی و امیرنوری گروه بازیگران این سریال را تشکیل می‌دهند. در خلاصه داستان «موچین» به نویسندگی مشترک حسین تبریزی و سیدعلی موسویان آمده است: انصاف نیست که دنیای ما آنقدر کوچک باشد که آدم‌های تکراری را روزی صد بار ببینیم و آنقدر بزرگ باشد که نتوانیم آن کسی را که دوست داریم حتی یک بار ببینیم.

ذهنیت پالوده فیلمساز و این نگاه تمیز بیشتر از هر چیز دیگری، «خداحافظ

دختر شیرازی» را محصولی متفاوت نشان می‌دهد، وگر نه فیلم اتفاقا در تمام خرده‌روایت‌ها و ار جاعا تش به آدم‌های فرعی داستان اسیر تیپ‌سازی و کلیشه‌زدگی است

باشد اما با این حال توجه به جزئیات و بهره‌برداری هوشمندانه از تمام امکاناتی که یک میزانشن هدمند در اختیار فیلم می‌گذارد باعث شده که «خداحافظ دختر شیرازی» فیلمی درست و متناسب با امکاناتش باشد.

به گمانم هوشنگ گلمکانی بود که در یادداشتی اینستاگرامی نوشته بود که این فیلم بعدها در شبکه نمایش خانگی بیشتر دیده خواهد شد و فکر می‌کنم این پیش‌بینی درست خواهد بود. از آنجا که فیلم در بازه زمانی خوبی اکران نشد و در واقع اکران آن باوقایعی همزمان شد که می‌دانید و می‌دانیم، آن نهضت دهان به دهان برای تبلیغ یک فیلم، درباره «خداحافظ دختر شیرازی» اتفاق نیفتاد و مضاف بر این‌ها فیلم افشین هاشمی احتمالا به جایی وصل نبوده که آنقدر تعدادسالن‌های در اختیارش کم و محدود بوده و به قولی به فروشی که باید، نرسید. اتفاقات بد اکران احتمالا بعدها در نمایش خانگی برای «خداحافظ دختر شیرازی» جبران خواهد شد و البته که سوداگران چیز دیگری ست؛ اما حداقل ماجرا این که این فیلم به عنوان یک اثر آبرومند در کارنامه افشین هاشمی ثبت خواهد شد.

معنای متداول نیست و در سکانس کیف‌قاپی این را کاملاً متوجه می‌شویم که اتفاقاً محافظه‌کار است و اصلاً همین خصوصیات خاکستری از او یک آدم قابل باور می‌سازد. از آن آدم‌ها که هنوز هم هستند و اما هیچ سهمی از دنیای فیلم و سریال ندارند. مثل شبنم که یک زن مطلقه است که نه هرزه شده و نه ابله و تباه است. او مطلقه است اما یک مادر کامل و یک حضور اجتماعی مثبت با خودش دارد. تک تک اجزای خانه‌اش رنگ و بو و سلیقه دارد و در مواجهه با جنس مخالف نه اشتیاقیافر دارد و غش می‌رود و نه گارد بسته دارد و دور دنیای خودش دیوار کشیده، او پس از ورود به خانه درها را قفل می‌کند و نشان می‌دهد که دنیای زنان تنها تا چه اندازه خطرناک است و از طرفی وقت حرف زدن و نقش‌آفرینی در بزنگاه‌ها تمام اراده‌اش را خرج می‌کند. او پس از تجربه محسود اتفاقا به دنبال یک نوع معصومیت از دست رفته است که البته فیلم هم توصیه‌اش می‌کند و این بار زن مطلقه داستان نه ماشین شاسی‌بلند می‌خواهد و نه عشوهری می‌کند و فریفته آن مدیر شرکتی می‌شود که پسر تنهایش در خانه منتظر است. سینما و تلویزیون به این جنس آدم‌ها پدهی زیادی دارد و و «خداحافظ دختر شیرازی» تا حدی این پدهی‌ها را پرداخت می‌کند.

در واقع این ذهنیت پالوده فیلمساز و این نگاه تمیز بیشتر از هر چیز دیگری، «خداحافظ دختر شیرازی» را محصولی متفاوت نشان می‌دهد، وگر نه فیلم اتفاقا در تمام خرده روایت‌ها و ار جاعا تش به آدم‌های فرعی داستان اسیر تیپ‌سازی و کلیشه‌زدگی است و اساساً از آن جایی که محیطی کوچک و محصور تعریف می‌شود، جز در مورد رنگ و قصاب نمی‌تواند واجد بسیاری از مولفه‌های سینمایی



توجه به جزئیات و بهره‌برداری هوشمندانه از تمام امکاناتی که یک میزانشن هدمند در اختیار فیلم می‌گذارد باعث شده که «خداحافظ دختر شیرازی» فیلمی درست و متناسب با امکاناتش باشد

نسیم «خداحافظ دختر شیرازی» اما هیچ‌کدام این‌ها نیست. او یک هنرمند اصیل است که به عشق حضور در سینما و تلویزیون ترک آبادان کرده و دستی هم بر نوازندگی دارد. جهان‌خوراکی‌هایش آغشته به دم‌نوش‌ها است و با ریز جزئیاتی که تعریف شده به قول داستان‌نویس‌ها کلی‌زگیل شخصیتی دارد که در یاد بماند. نسیم از معدود مردهای این سال‌های سینمای ایران است که نگاه جنسی به زنان ندارد، قهرمان هم به

نمایش چنین کاراکترهایی، علیه خودش کار کرده و به نوعی وضعیت نقادانه و روشنگرانه تبدیل به یک نمایش کارتون گونه از عصیان شد. آدم‌های سینمای ایران همه نیرنگ داشتند و دارند و همه هیز، چشم چران، منفعت‌طلب و شاید از آب درآمدند. سینما به عنوان یک بستر الگوساز و در نهایت فرهنگ‌ساز در یک تباری نانوشته با محیط هم‌افزایی کرد و سینما، خیابان و خیابان، سینما را تکثیر می‌کردند اما این روند شامل همه واقعیت نمی‌شد و با هرنگرش هنوز معصومیت در این جامعه نفس می‌کشید و می‌کشد. اصولاً سیاهی که مطلق نیست، بخش محذوف و نادیده جامعه ایرانی همان کاراکتر نسیم و شبنم است. آخرین باری که یک فیلم سینمایی مردی مثل نسیم را تصویر کرده بود، کی بود؟ مردان یا چشم طمع به زنان دارند! یا خائندند و یا قدرت‌طلب و یا به تباهی می‌رسند،

تحمل کنند. حتی در ادامه روایت هم احتمالاً به هم نزدیک می‌شوند و می‌توانیم خط سیر داستان را حدس بزنیم، پس چه چیزی این فیلم را آنقدر شریف و متفاوت می‌کند؟ کاراکتر نسیم و کاراکتر شبنم وجه متمایزکننده «خداحافظ دختر شیرازی» با تمام سینمای ایران (یا بخش‌هایی از آن) هستند. ترسیم همین دو کاراکتر در فیلم هاشمی، نوعی توجه به بخشی محذوف از جامعه ایرانی است که از پس بی‌شمار فیلم‌های عبوس دفن شده‌اند و دیده نمی‌شوند. به عبارتی از زمانی که سینمای خیانت رونق گرفت و از همان دوران که قرار شد سینما، نقاد وضعیت ناهمگن اجتماعی باشد. نویسنده‌های آثار سینمایی دائماً از شخصیت‌هایی نوشتند که درنده بودند و غیرقابل اعتماد، تا جایی ترسیم چنین کاراکترهایی موجب روشنگری و آگاهی‌بخشی می‌شد و اما از جایی به بعد تکرار و اغراق در

ایمان عبدلی

باید اعتراف کنم که قبل از تماشای «خداحافظ دختر شیرازی»، فیلم را با نامش قضاوت کرده بودم و گمان می‌کردم که با یکی از همان فیلم‌های پر شمار به اصطلاح طنز طرف هستیم که ملغمه‌ای از شوخی‌های کلامی ضعیف هستند و چند بشکن و بالا بننداز فیلم‌فارسی‌طور، اما این فیلم هیچ ربطی به آن فضاها نداشت. آخرین ساخته افشین هاشمی از یک جهت در سینمای ایران کم‌نظیر است، مساله‌ای به نام شرافت مضمونی و حرکت خلاف جریان‌های رایج. داستان فیلم درباره دوستی یک زن مطلقه با یک پسر هنرمند است. تا اینجا کار و با توجه به ایده فیلم هیچ اتفاقی نیفتاده، صرفاً با یک موقعیت آشنای همنشینی اجباری یک زن و مرد هستیم. زن و مردی که تضادهای زیادی دارند و مجبورند همدیگر را

یادداشت

آشغال‌های دوست‌داشتنی همچنان حاشیه دارد

بحث و جدل بر سر حضور بهروز وثوقی در جشنواره فجر

آبان نامجو

آشغال‌های دوست‌داشتنی که اکران شد و اتفاقاً اکران پرسروصدایی هم داشت، حالا داستان چیست که از یک نسخه جدید با حضور بهروز وثوقی در این فیلم می‌گویند؟ نسخه‌ای که این روزها خبرساز شده و امیریوسفی آن را به جشنواره فیلم فجر ارائه داده، توضیح فنی ماجرا را از زبان امیر پوریا بخوانید:

«یک معیار بین‌المللی وجود دارد که اگر نسخه‌ای از فیلمی، ۳۰ دقیقه بایبشتر با نسخه اول آن فیلم تفاوت داشته باشد، یعنی دست کم ۳۰ دقیقه از تصاویر قبلی در این نسخه نباشد و تصاویر دیگر و تازه‌ای باشد، این نسخه می‌تواند فیلم دیگری محسوب بشود و در فستیوال‌ها شرکت کند. امیریوسفی قبلی به دفتر جشنواره ارائه داده که ۵۵ دقیقه‌ش با نسخه اکران شده فرق در دوازده جمله، در یکی دیگر از همان قاب عکس‌ها که در فیلم با هم مکالمه می‌کردند، بهروز وثوقی حضور دارد.»

خب طبیعتاً با خواسته امیریوسفی موافقت نشد و او نامه‌ای بلندبالا نوشت که بخش‌هایی از آن در پی می‌آید:

«دلیل من برای دیده شدن فیلمم در جشنواره، سیم‌رغ گرفتن نیست چون بزرگ‌ترین جایزه من و عوامل این فیلم، استقبال بی‌نظیر مردم از نسخه قبلی این فیلم پس از شش سال اجحاف و توقیف غیرقانونی و خانه‌نشینی من بود. دلیل اصلی گرفته شدن حق این فیلم پس از هفت سال اجحاف و نیز دیده شدن، هنرنامه‌ی بازیگری پیشکسوت است

که مردم ایران ۴۱ سال است منتظر دیده شدن او بر پرده سینما هستند. از شما بزرگان می‌خواهم که کمک کنید برای دیده‌شدن این بازیگر پیشکسوت، آن هم پس از ۴۱ سال دوری از سینما و لطفاً با بی‌تفاوتی شریک یک‌جنایت فرهنگی و توقیفی مجدد نشوید، شما هفت عضو محترم هیات‌انتخاب، خود می‌دانید این بزرگ‌ترین فرصت برای دیده شدن «آشغال‌های دوست‌داشتنی اصل» و بازیگر جدیدش توسط اهالی محترم مطبوعات و مردم قدرشناس ایران است»

واکنش‌ها در فضای مجازی اما عموماً موافق حضور بهروز وثوقی است و برخلاف آن چه که مسئولان امر حضور این نسخه‌ای که وثوقی دارد را خطر می‌دانند اما مردم عموماً خواهان بازگشت ستاره سینمای قبل از انقلاب به فضای رسمی هستند. منتقدان سینما هم پشت وثوقی و امیریوسفی درآمده‌اند. امیر پوریا در اینستاگرامش نوشت: «بلاغت عجیب و متأسفانه گسترده‌ای وجود دارد که باعث می‌شه در مقابل این نامه و این درخواست، این طوری موضع بگیریم؛ با وجود این که در دل و ذهن باهاش موافقیم، بگیریم «آخه چرا کارگردان دست به کاری زده که می‌دونه اجازه‌ش رونمی‌دن». مثل همون واکنشی که بسیاری سینمادوستان و حتی سینماگران در مقابل کار تاریخی آقای کیانوش عیاری در فیلم از یادنرفتنی کاناپه داشتند. مهم این نیست که اجازه نمی‌دن (هر چند که غیرممکن هم نیست). مهم خود این اقدام، وجه قانونی کار و ثبتش بود.»

هوشنگ گلمکانی، سردبیر ماهنامه فیلم هم نوشت: «نامه